

بسیاری از مین‌روب‌ها به دلیل شرایط دشوار زندگی از نداشتن تمرکز در میدان مین رنج می‌برند

# تخریب‌چی‌ها زیر پایشان خالی است

کمیسون حالت اشتغال (تعیین میزان حقوق) از سال ۹۱ در خوزستان تشکیل نشده است



عکس: مصطفی صابری

استانداری‌ها این وظیفه را برعهده داشت که فرد را به‌عنوان جانباز یا شهید بپذیرد، اما پس از آن که این قانون اصلاح شد، اما نکته‌ای که طهماسبی بر آن تأکید دارد این است که در جلسات تعیین جانبازی، نماینده مردم در شورای شهر، مجلس و حتی خود قربانی حضور ندارد. «اگر کسی به‌عنوان جانباز شناخته شود، نماینده بنیاد شهید حضور دارد، اما خود قربانی نه.»

طهماسبی می‌گوید با وجود تغییرات بسیاری که از قانون سال ۷۲ تا سال ۸۹ به وجود آمده، اما همچنان فاصله زیادی تا قانون حمایتی دقیق و درست وجود دارد. قانونی که خلأ نداشته و ایرادات حال حاضر به آن وارد نباشد. قانونی که در آن فقط به خسارت‌های مالی و جسمی توجه نشده و حمایت معنوی هم در آن وجود داشته باشد. «بسیاری از مین‌روب‌های ما جوانند. آنها پس از حادثه روند زندگی‌شان تغییر می‌کند و نیازمند رسیدگی‌های گوناگون و مشاوره‌اند.» مردانی که به گفته علیرضا آشنانگر، معاون سیاسی-امنیتی استاندار کردستان تاکنون ۹۱ نفر از آنها شهید و ۱۱۰ نفرشان جانباز شده‌اند، البته آمار مرتضی حبیبی، سرپرست مرکز مین‌زدایی در سال ۸۶ بیشتر از این رقم است: ۱۷۳ نیروی پاکسازی شهید و ۷۲۲ جانباز.

آشنانگر سال گذشته در نشست «جهانی از عاری از مین» گفت: برای پاکسازی مین در ۵ استان غربی کشور تاکنون ۹۱ شهید و ۱۱۰ جانباز داشته‌ایم. از سال ۸۸ تاکنون هزار و ۵۵۸ پایگاه پاکسازی شده و هزینه پاکسازی مناطق آلوده در ایران یکدهم میانگین جهانی است و بسیاری هر هکتار حدود ۱۰۰ میلیون ریال اعتبار لازم است. «پایین بودن هزینه پاکسازی در ایران برای مین‌روبهانگه مثبتی نیست، کسانی که با تجهیزات قدیمی یا به میدان می‌گذارند، حقوقشان اندک است و بیمه درست و درمانی هم ندارند.»

## سیر بالا

چهار سال شش و روزش را با مین‌روب‌ها گذراند و سنال گذشته این کار را کنار گذاشت. هر چند برای معصومه صابری تنها زن عکاس میدان‌های مین، نه داستان مین تمام شده و نه داستان زندگی تخریب‌چی‌ها فریم‌های عکس و فیلم بسیاری دارد و مباحثه‌های فراوانی که هنوز هیچ کدامشان را جایی منتشر نکرده. «موقع منتشرشان می‌کنم، هنوز زمانش رسیده.»

او بارها با لباس‌های سخت به میدان رفته، با کفش‌های قدیمی و سنگین و قدیمی که اکثر کشورها دنیا که درگیر پروسه مین‌زدایی‌اند، دیگر از آنها استفاده نمی‌کنند. «می‌دانید کفش مسئولانی که می‌آیند سر زمین با کفش تخریب‌چی‌ها فرق دارد؟ آنها کفش‌های اسپرت و خاص است. اصلاً با این کفش‌ها تعادل ندارند. کاش یکبار آنها را ببینید.» صابری صبح‌های بسیار زودی را به یاد دارد که همراه تخریب‌چی‌ها راهی میدان مین شده و ساعت‌ها و ساعت‌ها آنها کار کرده‌اند و مابری عکاسی کرده، در گرمای ۵۰-۶۰ درجه در دشت‌های پر گلوله «غلب کسانی که در این میدان‌ها حاضرند، جوانان کشاورز و دامدارانند که دلشان برای خانواده خودشان می‌سوزد و می‌خواهند زمین پاک باشد. آنها جان عزیزان و دام‌هایشان را از دست داده‌اند و حالا می‌خواهند سیر بالا باشند.» صابری می‌گوید در همه جای خوزستان استانداردار کار تخریب‌چیان ۲ تا ۳ ساعت در روز است، ولی این‌جا این‌طور نیست. ساعت‌ها از تخریب‌چیان کار می‌کشند، چون این کار دست پیمانکار است و او هم نمی‌خواهد زمان کم.

بسیاری از کسانی که در میدان مین حاضر می‌شوند، جانشان را کف دست گرفته‌اند، با لباس‌هایی قدیمی، کفش‌هایی سنگین، با کلاهی که در هر نفس شیشه آن پر از بخار می‌شود و مین‌یاب‌هایی که بسیاری از آنها هم کهنه شده‌اند و درست کار نمی‌کنند. این در حالی است که سازمان مین‌زدایی هم مانند گذشته نظارت ندارد. «سوال این‌جاست که ارگان دولتی چرا باید از پیمانکار خصوصی استفاده کند؟ یا این که چطور ناظرها قبلاً حاضر وجود ندارد؟» بسیاری از مردانی که زیر پایشان خالی شده و مین‌جانسان را گرفته، به فکر زندگی زن و زندگی‌شان بودند. افرادی که در این حوزه کار می‌کنند، نباید از لحاظ فکری مشکل داشته باشند، بلکه باید با خیال آسوده و تمرکز وارد زمین شوند. «این کار برای افرادی که فکرشان مشغول است، نیست. آنها باید با خیالی آسوده به زمین بروند، نه با هزار فکر از قرض‌ها و وام‌های زندگی‌شان.»

صابری مردان جوانی را می‌شناسد که خانواده‌هایشان از شغلشان بی‌خبرند و حتی نمی‌دانند فرزندانشان مین‌یابند. آنها این شغل را پنهان کرده‌اند تا خیال خانواده‌شان آسوده باشد.

هر چند در سال‌های اخیر و با اعلام پاکسازی بسیاری از مناطق تعداد شرکت‌های پاکسازی مین کم شده‌اند. صابری می‌گوید در خوزستان ۱۱ شرکت فعال بوده که حالا چیزی از آنها باقی نمانده. «باید با این شغل مثل هر شغل پیمانکاری دیگری برخورد کرد. این کار ساختمان‌سازی نیست و این چیه‌ها اغلب بومی‌اند که با سال‌ها سختی اغلب شغلشان را عوض کرده‌اند.» صابری هنوز هم با دلی لرزان خبرهای مربوط به انفجار مین را پیگیری می‌کند. دلش نمی‌خواهد روزی از کسی برایش خبر بیآورد که او را می‌شناخته. از مین‌یابی بگویند که به هزار دلیل جانش را روی مین‌ها گذاشته است.

دلیل رقابت با یکدیگر در برخی از بخش‌ها خوب عمل کردند و اما در بسیاری از موارد نتوانستند آن‌طور که باید ظاهر بشوند. پیش از این وزارت دفاع حاضر بود و نظارت‌های بیشتری یکی از تخریب‌چی‌ها سابقه معتقد است حضور شرکت‌های خصوصی در حوزه پاکسازی مثبت است، اما «اگر شرکت‌های داخلی با شرکت‌های خارجی متخصص هم‌پیمان شوند، می‌توانند از تجهیزات جدید و همین‌طور تجربیات آنها استفاده کنند و این می‌تواند یکی از عوامل بهبود وضع فعلی باشد.»

به گزارش سایت مین و زندگی در سال‌های ۸۳ تا ۸۸ به ترتیب تعداد شرکت‌های پاکسازی مین گرفتند. در پایان سال ۸۸ تعداد شرکت‌های دارای مجوز به ۶۴ رسید و در سال‌های بعد این تعداد رو به کاهش گذاشت. مرکز مین‌زدایی کشور مجوز شرکت‌هایی که ناموفق بودند را لغو کرد و قوی‌ترها باقی ماندند. به گفته مرتضی حبیبی، سرپرست وقت مرکز مین‌زدایی سال ۸۶، هزار نیروی مین‌یاب در کشور وجود داشته نیروهایی که مشخص نیست چه تعداد از آنها عضو سپاه، ارتش و شرکت‌های خصوصی بوده‌اند. آمار دیگر از تعداد این نیروها مربوط به سال ۸۹ است. براساس اعلام خبرگزاری فارس در این سال ۵ هزار نفر شامل تیم‌های برنامه‌ریزی، عملیات شناسایی و اجرایی، پشتیبانی، نظارت و... مشغول پاکسازی بوده‌اند، هر چند به گفته یکی از نیروهای پاکساز باسابقه کمبود نیرو همواره وجود داشته

دلیل رقابت با یکدیگر در برخی از بخش‌ها خوب عمل کردند و اما در بسیاری از موارد نتوانستند آن‌طور که باید ظاهر بشوند. پیش از این وزارت دفاع حاضر بود و نظارت‌های بیشتری یکی از تخریب‌چی‌ها سابقه معتقد است حضور شرکت‌های خصوصی در حوزه پاکسازی مثبت است، اما «اگر شرکت‌های داخلی با شرکت‌های خارجی متخصص هم‌پیمان شوند، می‌توانند از تجهیزات جدید و همین‌طور تجربیات آنها استفاده کنند و این می‌تواند یکی از عوامل بهبود وضع فعلی باشد.»

به گزارش سایت مین و زندگی در سال‌های ۸۳ تا ۸۸ به ترتیب تعداد شرکت‌های پاکسازی مین گرفتند. در پایان سال ۸۸ تعداد شرکت‌های دارای مجوز به ۶۴ رسید و در سال‌های بعد این تعداد رو به کاهش گذاشت. مرکز مین‌زدایی کشور مجوز شرکت‌هایی که ناموفق بودند را لغو کرد و قوی‌ترها باقی ماندند. به گفته مرتضی حبیبی، سرپرست وقت مرکز مین‌زدایی سال ۸۶، هزار نیروی مین‌یاب در کشور وجود داشته نیروهایی که مشخص نیست چه تعداد از آنها عضو سپاه، ارتش و شرکت‌های خصوصی بوده‌اند. آمار دیگر از تعداد این نیروها مربوط به سال ۸۹ است. براساس اعلام خبرگزاری فارس در این سال ۵ هزار نفر شامل تیم‌های برنامه‌ریزی، عملیات شناسایی و اجرایی، پشتیبانی، نظارت و... مشغول پاکسازی بوده‌اند، هر چند به گفته یکی از نیروهای پاکساز باسابقه کمبود نیرو همواره وجود داشته

دلیل رقابت با یکدیگر در برخی از بخش‌ها خوب عمل کردند و اما در بسیاری از موارد نتوانستند آن‌طور که باید ظاهر بشوند. پیش از این وزارت دفاع حاضر بود و نظارت‌های بیشتری یکی از تخریب‌چی‌ها سابقه معتقد است حضور شرکت‌های خصوصی در حوزه پاکسازی مثبت است، اما «اگر شرکت‌های داخلی با شرکت‌های خارجی متخصص هم‌پیمان شوند، می‌توانند از تجهیزات جدید و همین‌طور تجربیات آنها استفاده کنند و این می‌تواند یکی از عوامل بهبود وضع فعلی باشد.»

به گزارش سایت مین و زندگی در سال‌های ۸۳ تا ۸۸ به ترتیب تعداد شرکت‌های پاکسازی مین گرفتند. در پایان سال ۸۸ تعداد شرکت‌های دارای مجوز به ۶۴ رسید و در سال‌های بعد این تعداد رو به کاهش گذاشت. مرکز مین‌زدایی کشور مجوز شرکت‌هایی که ناموفق بودند را لغو کرد و قوی‌ترها باقی ماندند. به گفته مرتضی حبیبی، سرپرست وقت مرکز مین‌زدایی سال ۸۶، هزار نیروی مین‌یاب در کشور وجود داشته نیروهایی که مشخص نیست چه تعداد از آنها عضو سپاه، ارتش و شرکت‌های خصوصی بوده‌اند. آمار دیگر از تعداد این نیروها مربوط به سال ۸۹ است. براساس اعلام خبرگزاری فارس در این سال ۵ هزار نفر شامل تیم‌های برنامه‌ریزی، عملیات شناسایی و اجرایی، پشتیبانی، نظارت و... مشغول پاکسازی بوده‌اند، هر چند به گفته یکی از نیروهای پاکساز باسابقه کمبود نیرو همواره وجود داشته

دلیل رقابت با یکدیگر در برخی از بخش‌ها خوب عمل کردند و اما در بسیاری از موارد نتوانستند آن‌طور که باید ظاهر بشوند. پیش از این وزارت دفاع حاضر بود و نظارت‌های بیشتری یکی از تخریب‌چی‌ها سابقه معتقد است حضور شرکت‌های خصوصی در حوزه پاکسازی مثبت است، اما «اگر شرکت‌های داخلی با شرکت‌های خارجی متخصص هم‌پیمان شوند، می‌توانند از تجهیزات جدید و همین‌طور تجربیات آنها استفاده کنند و این می‌تواند یکی از عوامل بهبود وضع فعلی باشد.»

دلیل رقابت با یکدیگر در برخی از بخش‌ها خوب عمل کردند و اما در بسیاری از موارد نتوانستند آن‌طور که باید ظاهر بشوند. پیش از این وزارت دفاع حاضر بود و نظارت‌های بیشتری یکی از تخریب‌چی‌ها سابقه معتقد است حضور شرکت‌های خصوصی در حوزه پاکسازی مثبت است، اما «اگر شرکت‌های داخلی با شرکت‌های خارجی متخصص هم‌پیمان شوند، می‌توانند از تجهیزات جدید و همین‌طور تجربیات آنها استفاده کنند و این می‌تواند یکی از عوامل بهبود وضع فعلی باشد.»

بسته شده رعایت نشده و حالا هیچ ارگانی مسئولیت مردی که بر روی آتش کار کرده، برعهده نمی‌گیرد و حالا ترکش در جانش زندگی می‌کند. «در منطقه ما شش، هفت شرکت مین‌روبی کار می‌کرد حالا تراکم مین کم و این شرکت‌ها کمتر شده‌اند. اما چه فایده.»

## بی‌قانون

استخدام رسمی نیستند. حقوقشان بسیار کم است. شغلشان فصلی است و در فصول سرد سال کم‌کارند. قرارداد کوتاه‌مدت دارند. اگر جانشان را از دست بدهند یا قلع عضو شوند، حمایت خاصی ندارند. هر چند در قانون به آن اشاره شده که شهید و جانباز به حساب می‌آیند، اما پروسه خیلی طولانی است، چون از گاتی پای گرفتن حق و حقوقشان نیست و خودشان هم ناتوان برای احقاق حق. بی‌سلامتی جسمی و روحی باید به زندگی ادامه دهند. اینها را عثمان مزین؛ وکیل دادگستری که سال‌ها در این حوزه کار کرده، می‌گوید. هر چند از نظر او ضعف مهم و اساسی دیگری که وجود دارد این است که ایران عضو کنوانسیون اتاوا نیست. کنوانسیونی که برای منع پیکارگری مین‌های ضدنفر و ضدتانک ایجاد شده. بیش از ۱۵۰ کشور دنیا در آن عضوند و آنها تسهیلاتی برای پاکسازی در اختیار کشورهای عضو قرار می‌دهند. «عضویت در این کنوانسیون تبعاتی دارد. مانند این که آن کشور باید به پاکسازی مطلق برسد و هر ساله گزارشی از وضعیتش ارائه دهد و همچنین نباید از مین استفاده کند.»

از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۳ شرکت‌های خصوصی مسئولیت کار را برعهده دارند، شرکت‌هایی که به

کند و همین هم باعث شد تا یکسال و نیم حقوقش قطع شود. بیمه، از کارافتادگی نداد و از گان دیگری هم مسئولیتش را برعهده نگرفت. «با زن و پسر هم یکسال و نیم با پاره‌ها زندگی کردیم. آن هم با خرج دوا و درمان من.» او با ۴۰ درصد جانبازی مستمری بگیر است و می‌گوید اگر مستمری‌اش قطع شود، دستش به جایی بند نیست. بارها به تأمین اجتماعی و بنیاد شهید رفته و بارها کیلومتر راه را تا تهران آمده. برای تعیین حقوق است. چند دکتر نظر می‌دهند که چند درصد از کارافتاده‌ای، اما این کمیسیون از سال ۹۱ در خوزستان بر گزار نشده. می‌گویند دولت بودجه ندارد و برای همین همچنان مستمری بگیرم و هر لحظه ممکن است قطع شود.»

محمد نگران دوستانش است. کسانی که جنگ را نمی‌شناختند و حالا مین‌روب شده‌اند، او می‌گوید در خانواده‌های جانباز بزرگ شده است، ولی خیلی‌ها این‌طور نبودند و تأمین اجتماعی کار نمی‌دهد. کسانی که از سر ناچاری یا کنجکاری راهشان به این شغل رسیده و بعدها دل‌بسته‌اش شده‌اند «می‌دانی؟ در همان چند ماه کار دوستم شهید شدم و خودم پیکر او را در گونی گذاشتم و از مین‌یاب بیرون آوردم. سخت بود. خیلی سخت.»

## زندگی روی مین

۱۲ بار بی‌هوش شد. عمل‌ها کارساز نبودند و ترکش‌ها بعد از ۳ سال هنوز در جان سعید زندگی می‌کنند. او ۲۳ سالگی‌اش را بدون پا شروع کرد و حالا در آستانه ۲۹ سالگی شلجه در پایش زنده است. جایی که پایش روی مین رفته. «می‌دانستم بالاخره یک روز ممکن است این‌طور شود.» این را تمام مین‌روب‌ها می‌گویند. کسانی که میخ و شمشیر در میدان‌های مین و دشت‌های پر گلوله می‌گردند. «اما شرایط بعدش را نمی‌دانستم. این که قرار است ماه‌ها حقوق نگیرم و دستم به جایی بند نباشد.» سعید ساکن خرم‌آباد است. از سال ۸۵ در یکی از شرکت‌های خصوصی مین‌روبی مشغول به کار شد. اوایل کارش دشت‌بانی بود تا سال ۸۷ در روبرو دوره دید و پنج‌سال بعد هم اسیر مین شد. «بنیاد پرورندم را داد و گفت برو و تأمین اجتماعی پیگیری حقیقت شو تا درصد جانبازیت مشخص شود و بعد ما هم حقوق می‌زنیم برات.»

۱۸ ماه از هیچ‌کجا حقوق نگرفت و بعد هم گفتند چون از تأمین اجتماعی حقوق گرفته‌ای نمی‌توانی حقوق بنیاد بگیر. «خیلی دوندگی کردم. سال ۹۱ مستمری‌ام ۴۷۰ تومن بود و حالا یک میلیون است. زیر بار نرفتم.»

سعید با ۵۰ درصد جانبازی و سنی که هنوز به ۲۰ سال نرسیده، می‌گوید موج‌گرفتنی دارد و خانواده‌اش هم دیگر تاملش را ندارند. «ما هیچ‌وقت امتیازی نداشتیم. حتی آن زمان که مشغول کار بودیم. حقوق تقریبی بود و بستگی به قرارداد کارمان داشت. قرارداد می‌داد که چیز زیادی از آن در یادش نمانده. مانند محمد که او هم بندهای قرارداد در یادش نمانده. در ارومیه امدادگر هلال‌احمر بود. بعداً آموزش دید و در یکی از شرکت‌های خصوصی مین‌روبی مشغول به کار شد. سال ۹۰ در مارمیشو مین دو چشم و شنوایی‌اش را گرفت. «موج‌گرفتنی هم دارم.» سه‌سال بعد از مجروحیت همچنان کار کرد. دیگری نه در میدان مین. «کار اداری بود.» سال ۹۳ در دنا توانی‌اش برای کار آن قدر زیاد شد که کار را رها

